

مرکز پیام نگاه کرد و بعد، سراسیمه از قرارگاه بیرون رفت. دنبالش رفتیم. دیدیم در آن دم غروبی، توی محوطه‌ی قرارگاه، رو به خورشید ایستاده و های‌های گریه می‌کند.<sup>۱</sup>

یکی از جالب‌ترین جنبه‌های شخصیتی محمدابراهیم همت، توجه وافرین معلم فرمانده، به شناسایی و رفع خلاءهای فرهنگی رزمندگان تحت امرش، در گرماگرم پیکار هولناک والفجر مقدماتی بوده است.

این دغدغه‌ی خاطر همت، تنها منحصر به کمیوندهای فرهنگی رزمندگان پاسدار و بسیجی زیرمجموعه‌ی سپاه ۱۱ قدر و لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ﷺ) نمی‌شد و او از همان ایام، سودای تدوین و نگارش متون نظامی آکادمیک؛ مبتنی بر تجارب خونین نبرد دفاعی ملت ایران را، در سر داشت. پس از پایان عملیات والفجر مقدماتی، جلسه‌ای محرمانه به دعوت فرمانده کل سپاه، با حضور تمامی فرماندهان رده‌های سپاه، لشکر و قرارگاه‌های تابعه، در قرارگاه خاتم الانبیاء (ﷺ) تشکیل شد تا به بررسی علل ناکامی‌های نظامی ایران در نبردهای پس از فتح خرمشهر تا پایان والفجر مقدماتی بپردازند. در جریان این نشست، فرمانده کل سپاه از همت خواست تا دیدگاه‌های خود را پیرامون ضعف آموزش آکادمیک نظامی پرسنل سپاه در جنگ، تبیین کند. فرمانده سپاه ۱۱ قدر در پاسخ گفت:

«... برادر محسن، اول باید ببینیم چقدر سرمایه برای آموزش گذاشته‌ایم، الآن یک فرمانده گردان ما، یا یک فرمانده تیپ ما، یا یک فرمانده لشکر یا سپاه ما، چقدر آموزش دیده است؟ شما خاطرتان هست که در سال ۱۳۵۳، تمام همافرهای نیروی هوایی ارتش ما در آمریکا دوره می‌دیدند و تمام افسرانی که می‌خواستند دوره‌ی مهندسی و خصوصاً مخابراتی را ببینند، در اسرائیل دوره می‌دیدند. به علت پیچیدگی جنگ، بچه‌هایی که از ابتدا در جنگ بودند، اصول را آموزش دیدند و تعاریفی هم شنیدند که وقتی دریافتند این تعاریف به برنامه‌هایشان نمی‌خورد، آن‌ها را زیر پا گذاشتند. در هر صورت به نظر می‌رسد برای این‌ها اهمیت مطلب درست جا نیفتاده است. لذا به نظر می‌رسد بهتر است چارچوبی از یک تعداد اصطلاحات روزمره‌ی مشخص که کاربرد زیادی

۱. نوار مصاحبه‌ی حسین بهزاد با سردار سرتیپ سعید قاسمی، تهران، ۱۳۷۵.

